خبر

انتصاب دکتر علی لاریجانی به عنوان نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکمی آقای دکتر علی لاریجانی را به عنوان نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی منصوب کردند.

متن حکم رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم، با توجه به انتصاب جناب آقای دکتر احمدیان در جایگاه اجرای مسئولیت‌های مهم دولتی، جناب آقای دکتر علی لاریجانی را به نمایندگی رهبری در شورای عالی امنیت ملی به استناد اصل یکصدوهفتادوشش قانون اساسی منصوب می‌کنم. از حضور و تلاش موفق آقای احمدیان در این مسئولیت در چند سال اخیر متشکرم. توفیق همگان را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای- ۱۶ مرداد ۱۴۰۴

انتصاب آقایان احمدیان و شمخانی به عنوان نمایندگان رهبری در شورای دفاع

رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی آقایان دکتر علی‌اکبر احمدیان و علی شمخانی را به عنوان نمایندگان خود در شورای دفاع منصوب کردند. متن حکم به این شرح است: با عنایت به تصویب و تشکیل شورای دفاع، جناب آقای دکتر علی‌اکبر احمدیان و جناب آقای شمخانی را به نمایندگی خود در آن شورا منصوب می‌کنم. توفیق ایشان و دیگر اعضای آن شورا را از خداوند مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

پزشکیان به مناسبت روز خبرنگار:

دفاع از ایران فقط در میدان جنگ نیست، گاهی در یک تیتر درست و یک گزارش دقیق است

رئیس‌جمهور با بیان اینکه وطن ما امروز بیش از هر زمان، به «صراحت صادقانه»، «پایداری عزتمندانه» و «دفاع بی‌تزلزل» نیاز دارد، گفت: دفاع از ایران فقط در میدان جنگ نیست، گاهی در یک تیتر درست، یک گزارش دقیق یا ایستادن در برابر تحریف و ناامیدسازی هم معنا پیدا می‌کند. به عنوان رئیس‌جمهور، با افتخار روز خبرنگار را به همه مجاهدان عرصه خبر، گزارش، تحلیل و روایت تبریک می‌گویم. به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در پیامی به مناسبت روز خبرنگار، با تبریک این مناسبت به همه فعالان عرصه خبر تصریح کرد: روز خبرنگار فقط یک تاریخ در تقویم نیست، فرصتی است برای تأمل دوباره در جایگاه بی‌بدیل رسانه‌ها؛ در بیان درست واقعیت‌ها، در ساختن اعتماد عمومی، در پیونددادن دل‌های مردم و ایستادن در برابر تحریف و دروغ. این روز یادآور همه کسانی است که وسط میدان‌های پرآشوب و میان غبار روایت‌های مغشوش، پرچم شرف، استقلال و آگاهی را زمین نگذاشتند؛ خبرنگار، فرمانده خط مقدم دفاع از حقیقت است. متن پیام رئیس‌جمهور به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، نام و یاد شهید محمود صارمی و همه شهدای عزیز عرصه قلم، آگاهی و روشنگری را در روز خبرنگار گرامی می‌دارم؛ روزی که یادآور فداکاری کسانی است که جانشان را برای گفتن حقیقت و نگه‌داشتن چراغ آگاهی مردم تقدیم کردند. در کنار این عزیزان، یاد همه خبرنگاران شهیدی را که در راه دفاع از میهن و در روایت حملات رژیم صهیونیستی به ایران عزیز و شهروندانش، جانشان را در راه حقیقت گذاشتند، پاس می‌دارم. آنان که در خط مقدم روایت ایستادند و با قلم و تصویرشان، تاریخ مقاومت این ملت را ثبت کردند. روز خبرنگار فقط یک تاریخ در تقویم نیست، فرصتی است برای تأمل دوباره در جایگاه بی‌بدیل رسانه‌ها؛ در بیان درست واقعیت‌ها، در ساختن اعتماد عمومی، در پیونددادن دل‌های مردم و ایستادن در برابر تحریف و دروغ. این روز یادآور همه کسانی است که وسط میدان‌های پرآشوب و میان غبار روایت‌های مغشوش، پرچم شرف، استقلال و آگاهی را زمین نگذاشتند. امروز که دنیا گرفتار آشوب معنا و جنگ روایت‌هاست و حقیقت گاهی قبل از کشف، جعل می‌شود؛ خبرنگار، فرمانده خط مقدم دفاع از حقیقت است. در همان روزهایی که ملت ایران در ۱۲ روز نبرد پرمخاطره با رژیمی کودک‌کش و قانون‌گریز و حامیانش، شکوه اقتدارش را نشان داد، این خبرنگاران بودند که روایت مقاومت را زنده نگه داشتند؛ از شهدای وطن نوشتند و مظلومیت ایران را به گوش جهانیان رساندند. لازم می‌دانم از همه کسانی که حقیقت جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران را در رسانه‌های خود منتشر کردند و صدای مردم ایران را به گوش مردم شنوای جهان رساندند، صمیمانه تشکر کنم. چنان‌که هرگز نمی‌توان شهامت و دلیری خبرنگارانی را که راویان صادق جنایات شوم و نسل‌کشی رژیم صهیونی در غزه مظلوم بودند و به درجه رفیع شهادت نائل شدند، از یاد برد. وطن ما امروز بیش از هر زمان، به «صراحت صادقانه»، «پایداری عزتمندانه» و «دفاع بی‌تزلزل» نیاز دارد. دفاع از ایران فقط در میدان جنگ نیست؛ گاهی در یک تیتر درست، یک گزارش دقیق یا ایستادن در برابر تحریف و ناامیدسازی هم معنا پیدا می‌کند. به عنوان رئیس‌جمهور، با افتخار روز خبرنگار را به همه مجاهدان عرصه خبر، گزارش، تحلیل و روایت تبریک می‌گویم. وظیفه ما این است که امنیت، حرمت، کرامت و معیشت خبرنگار را نه در حد شعار، که در عمل و به عنوان یک مسئولیت حاکمیتی پاس بداریم. از خبرنگاران عزیز می‌خواهم همان‌طورکه از حق مردم در دانستن دفاع می‌کنند، از حقیقت ایران هم دفاع کنند. ایران را با همه زخم‌ها و شکوه‌هایش روایت کنند. از وطن نه با تردید، که با غیرت بنویسند و از گفتن حقیقت نترسند، حتی اگر سنگین باشد. به قلم‌های بیدار، به دوربین‌های حقیقت‌جو، به نگاه‌های بی‌هراس و به دل‌های دردمند اهالی رسانه درود می‌فرستم.

گزارش

نقاب جدید برای طرح صیانت

ادامه از صفحه ۲

بخشایش اردستانی در گفت‌وگو با خبرآنلاین تأکید می‌کند که لایحه تهیه‌شده توسط قوه قضائیه به دلیل بار مالی نیازمند تأیید دولت بود و پس از پس‌گرفتن آن توسط دولت، اکنون قوه قضائیه می‌تواند آن را مستقیما پس از دو ماه به مجلس ارسال کند. با این حال، او معتقد است حساسیت افکار عمومی نسبت به محدودسازی اینترنت به حدی است که نهادها حاضر به پذیرفتن چنین طرح‌هایی نیستند. از سوی دیگر، این نماینده مجلس اشاره می‌کند که تلاش برای کنترل فضای مجازی از طریق پلتفرم‌های داخلی امکان‌پذیر است اما کنترل سکوهای خارجی که حاضر به همکاری با ایران نیستند، عملا غیرممکن بوده و منجر به قطع یا کاهش کیفیت اینترنت می‌شود. چنین محدودیت‌هایی می‌تواند موج جدیدی از استفاده گسترده کاربران از فیلترشکن‌ها و ظهور بازار سیاه مافیای فیلترشکن‌ها را به دنبال داشته باشد. طرح «نظام‌بخشی فضای مجازی» که وعده ایجاد سطح دسترسی متفاوت یا اینترنت طبقاتی را می‌دهد، در واقع تهدیدی جدی برای آزادی دسترسی به اطلاعات و جریان آزاد ارتباطات در کشور به شمار می‌رود. در شرایطی که ایران با مشکلات گسترده در کیفیت اینترنت مواجه است و حتی رتبه سوم جهان در پایین‌ترین کیفیت اینترنت را به خود اختصاص داده، اجرای چنین طرح‌هایی می‌تواند وضعیت دسترسی به فضای مجازی را بحرانی‌تر کند. در نهایت، آنچه از روند بررسی طرح‌های مرتبط با فضای مجازی در مجلس برمی‌آید، تلاش نمایندگان مجلس برای بازگرداندن طرح‌هایی است که پیش‌تر به دلیل مخالفت عمومی و کارشناسی متوقف شده بودند. به نظر می‌رسد با عقب‌نشینی دولت و فعالیت پشت‌پرده برخی نمایندگان، باز هم شاهد تشدید محدودیت‌ها و کنترل‌های شدیدتر بر فضای مجازی در آینده نزدیک خواهیم بود.

نگاهی به منافع تهران در میانه دیدار احتمالی پوتین و ترامپ در گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی

ایران در میانه دیدار ترامپ و پوتین

نعمت‌الله ایزدی: حتی اگر مذاکرات پوتین و ترامپ فقط درباره جنگ اوکراین باشد، موضوع ایران هم مطرح خواهد شد

عبدالرحمن فتح‌الهی: در شرایطی که ضرب‌الاجل کاخ سفید برای «پایان‌دادن به جنگ اوکراین» به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود، خبر احتمال دیدار ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ بار دیگر صحنه ژئوپلیتیک را داغ کرده است. این دیدار اگر برگزار شود، نخستین مواجهه رهبران آمریکا و روسیه از سال ۲۰۲۱ خواهد بود و در ظاهر می‌تواند گامی به سوی پایان جنگ تلقی شود؛ اما تجربه تاریخی و واقعیت میدانی جنگ اوکراین نشان می‌دهد که بیشتر باید آن را در قالب یک «مانور دیپلماتیک» دید تا نقطه عطفی واقعی. هفت ماه از بازگشت ترامپ به کاخ سفید گذشته و برخلاف وعده‌های پرطمطراق انتخاباتی، نه‌تنها جنگ متوقف نشده، بلکه ابعاد آن پیچیده‌تر شده است. حالا پوتین، با شناخت دقیق از سبک شخصیتی و اولویت‌های ترامپ، آماده است از این دیدار برای خرید زمان، تثبیت دستاوردهای نظامی و حتی بهره‌گیری از یک برگ استراتژیک تازه استفاده کند: ایران. هر دو بازیگر (واشنگتن و مسکو) به‌خوبی به وزن تهران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی آگاه هستند؛ از پرونده مذاکرات هسته‌ای که بعد از تجاوز اسرائیل وضعیت آن مبهم است تا نقش ایران در خاورمیانه و حتی اوراسیا. در این بین، به دلیل نقش ایران در انرژی و مسیرهای تجاری، این کشور می‌تواند هم ابزار فشار باشد و هم برگ معامله. ترامپ که به دنبال یک «دستاورد خارجی سریع» است، ممکن است وسوسه شود ایران را به عنوان بخشی از بسته مذاکراتی با مسکو وارد بازی کند؛ مثلا کاهش فشار تحریم‌ها یا مذاکره مستقیم در برابر همراهی محدود تهران با کاهش تنش در اوکراین یا حتی مهار بخشی از همکاری‌های نظامی با روسیه. پوتین نیز چنین استفاده ابزاری را از کارت تهران خواهد داشت. اما کرملین برخلاف واشنگتن از زاویه‌ای دیگر به این برگ نگاه می‌کند؛ او می‌داند که هرگونه معامله بر سر ایران می‌تواند شکاف در جبهه غربی را عمیق‌تر کند. اروپا که هم درگیر جنگ اوکراین است و هم نگران پرونده هسته‌ای تهران است و مرتب در حال تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، وارد یک دوره از روابط سرد کم‌سابقه و حتی بی‌سابقه با تهران شده است. بنابراین مسکو می‌تواند از این وضعیت، به عنوان یک اهرم بازدارنده در برابر فشارهای غرب استفاده کند. در چنین صحنه‌ای، دیدار پوتین و ترامپ می‌تواند بیش از آنکه گفت‌وگویی برای «پایان جنگ» باشد، به بستری برای معامله بر سر پرونده‌های جانبی بدل شود. حتی ممکن است اوکراین، به‌رغم اینکه موضوع اصلی جنگ است، عملا به حاشیه مذاکرات رانده شود و ایران، چین یا مسائل تجاری جای آن را بگیرند. اینکه واقعا چه اتفاقی برای تهران پس از دیدار ترامپ و پوتین خواهد افتاد و اساسا تهران و پرونده‌های مربوطه تا چه حدی به این دیدار رودررو ارتباط پیدا خواهند کرد، موضوعی است که در گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی بررسی شده است. آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی و اولین سفیر کشورمان در فدراسیون روسیه تأکید می‌کند حتی اگر مذاکرات رؤسای جمهور آمریکا و روسیه محدود به جنگ اوکراین باشد، باز پای ایران دیدار کشیده خواهد شد. متن پیش‌رو مشروح کامل این گپ‌وگفت است که در ادامه می‌خوانید.

●●●

اخبار، گزارش‌ها و همچنین مواضع واشنگتن و مسکو خبر از دیدار قریب‌الوقوع پوتین و ترامپ می‌دهد. اگرچه به‌ظاهر چنین برمی‌آید که موضوع کار و محوریت این دیدار به جنگ اوکراین بازمی‌گردد، اما نمی‌توان از پرونده‌های جانبی و به‌ویژه موضوع ایران گذشت که هر دو طرف (آمریکا و روسیه) پتانسیل بهره‌برداری و حتی سوءاستفاده از کارت ایران را در راستای منافع خود دارند. به باور شما این دیدار تا چه حد می‌تواند به موضوعات جانبی مانند ایران ورود کند؟ اساسا موضوع ایران تا چه اندازه در اتمسفر مناقشه مسکو و واشنگتن، ذیل مقوله جنگ اوکراین جا دارد؟

مسئله اینجاست که زمزمه دیدار ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ از آنجایی جدی شد که تمام تلاش‌های رئیس‌جمهور آمریکا بعد از بازگشت به کاخ سفید برای پایان‌دادن به جنگ اوکراین بی‌نتیجه باقی ماند. در این مدت، دونالد ترامپ تقریبا همه تلاش خود را برای تغییر وضعیت در این جنگ داشت که حداقل بتواند یک آتش‌بس موقت را ایجاد کند یا در یک گام بلندتر به جنگ پایان دهد. به‌هرحال، زمانی که تمام راه‌های طی‌شده به در بسته خورد، از اعزام نماینده ویژه تا گفت‌وگوی تلفنی مستقیم با خود پوتین و حتی مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم بین مسکو واشنگتن، در نهایت ترامپ به این جمع‌بندی رسید که اکنون تنها راه باقی‌مانده، یک گفت‌وگوی صریح و رودررو با خود پوتین است. پس اگر دیدار دو رئیس‌جمهور انجام شود که از ظاهر قضایا و اخبار و گزارش‌های واصله چنین موضوعی تقریبا قطعی به نظر می‌رسد، سایر موضوعات یا پرونده‌های جانبی و به‌ویژه موضوع ایران هم می‌تواند در دستور کار مذاکرات پوتین و ترامپ قرار بگیرد؛ چون به‌هرحال هم رئیس‌جمهور آمریکا و هم رئیس‌جمهور روسیه با مسئله ایران به شکل مستقیم درگیر هستند. بنابراین حتی اگر محور مذاکرات بین پوتین و ترامپ فقط و فقط جنگ اوکراین باشد، اجبارا موضوع ایران باز هم مطرح می‌شود.

به چه دلیل؟

مشخص است؛ چون در تمام این سال‌ها بعد از آغاز جنگ اوکراین، همواره ایران متهم شده که در این جنگ به روسیه کمک کرده است. پس هرگونه مذاکره یا اتفاقی که درباره جنگ اوکراین روی دهد، می‌تواند روی مناسبات نظامی، دفاعی و دیپلماتیک تهران-مسکو و در نهایت روی خود سیاست خارجی ایران اثرگذار باشد.

به طور مشخص اگر در نهایت شاهد پایان جنگ اوکراین باشیم، چه تأثیری بر سیاست خارجی ما دارد؟

اگر این دیدار فتح بابی برای پایان جنگ اوکراین، حتی به صورت یک توافق آتش‌بس باشد، باعث می‌شود یکی از مهم‌ترین یا به عبارتی مهم‌ترین مسئله و جنگ حاضر که بسیاری از مناسبات انرژی و ژئوپلیتیک اروپا و جهان را درگیر خود کرده است، خاتمه پیدا کند و این‌گونه هم آمریکایی‌ها و هم اروپایی‌ها فرصت و تمرکز بیشتری برای رسیدگی به پرونده‌های دیگر و مشخصا موضوع ایران خواهند داشت. پس یقین بدانید ایران هم یکی از موضوعات دیدار پوتین و ترامپ خواهد بود و قطعا سیاست خارجی و وضعیت ما از نتیجه این دیدار متأثر خواهد شد.

اگر این دیدار اتفاق بیفتد، به نفع ماست یا به ضرر ما؟ هرچند زمزمه مذاکرات احتمالی بین ایران و آمریکا نیز مطرح است.

این امر تا حد بسیار زیادی مشروط به خروجی مذاکرات خواهد بود. باید ببینیم این مذاکرات به چه نتیجه و سرانجامی خواهد رسید و جنگ اوکراین چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد. اما اگر در نهایت دیدار پوتین و ترامپ فتح بابی برای پایان جنگ اوکراین، ولو به شکل یک توافق آتش‌بس موقت باشد، اروپا و آمریکا تمرکز بیشتری روی حل‌وفصل پرونده‌های جانبی مانند ایران خواهند داشت. در این صورت، حداقل فشارها بر ایران افزایش پیدا خواهد کرد.

ارزیابی میزان موفقیت دیدار هم ملاک است؛ چون با توجه به تجربه این‌دست دیپلماسی‌های نمایشی ترامپ، مانند دیدارش با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی که هیچ نتیجه ملموسی در روابط واشنگتن و پیونگ‌یانگ نداشت و حتی بر شدت شکاف‌های دو کشور افزود، اکنون هم طیفی از ناظران معتقدند ترامپ با رجوع به همان دیپلماسی نمایشی، صرفا به دنبال یک دیدار با پوتین خواهد بود و نمی‌تواند روی جنگ اوکراین تأثیر جدی داشته باشد، چه برسد به آنکه شاهد پایان آن باشیم. تحلیل شما چیست؟

اتفاقا من برخلاف این خط تحلیلی معتقدم اگر دیدار دونالد ترامپ و پوتین انجام شود، از پیش هم جدیت و هم محوریت و دستور مشخص مذاکرات کاملا روشن شده است. به همین دلیل، دو طرف روی موضوعات متمرکز خواهند بود. درصورتی‌که دونالد ترامپ در دولت اولش فقط یک دیدار اولیه با رهبر کره شمالی داشت تا یکدیگر را بسنجند که کف و سقف خواسته‌ها و انتظارها از همدیگر مشخص شود، اما الان بعد از چند سال جنگ اوکراین، تماس‌های تلفنی پوتین و ترامپ و رفت‌وآمد نماینده ترامپ به روسیه، کاملا چارچوب بحث بین رئیس‌جمهور دو کشور روشن است. پس اکنون ما یک دستور کار جدی برای مذاکرات و دیدار رودررو ی ترامپ و پوتین داریم که سبب خواهد شد این مذاکرات متفاوت از یک دیپلماسی نمایشی باشد. همان‌طور که در پاسخ به پرسش اول گفتم، دونالد ترامپ از زمانی که به کاخ سفید بازگشت، تمام راه‌ها را برای پایان‌دادن به جنگ اوکراین، ولو به شکل یک توافق آتش‌بس موقت پی گرفت که هیچ‌کدام به نتیجه نرسید. الان هم آخرین تیر در ترکش، یعنی دیدار مستقیم و رودررو با پوتین را برگزیده است. بنابراین این دیدار کاملا متفاوت از دیدارهای دونالد ترامپ است. ضمنا نباید فراموش کنیم که در دولت اول، دونالد ترامپ واقعا تجربه دیپلماتیک نداشت، اما اکنون ترامپ هم تجربه لازم را دارد و هم هدف، دستور کار و جدیت برای رسیدگی به موضوع جنگ اوکراین در جریان دیدار رئیس‌جمهور آمریکا و روسیه وجود دارد.

پس به باور نعمت‌الله ایزدی، جنگ اوکراین با دیدار پوتین و ترامپ خاتمه پیدا می‌کند؟

من نمی‌توانم با قاطعیت به این پرسش پاسخ دهم، چون واقعا نتیجه و خروجی دیدار پوتین و ترامپ مشخص نیست. بااین‌حال، همان‌طور که گفتم، با توجه به وضعیت آمریکا و همچنین وضعیت خود روس‌ها، به نظر من بستر برای رسیدن به نتیجه وجود دارد. به‌هرحال، پوتین هم شرایط چندان مطلوبی ندارد و بی‌میل نیست که به این جنگ پایان دهد. شاید این تمایل وجود داشته باشد که آمریکا و ترامپ با استفاده از ظرفیت خود، مسیری را تعیین کنند که جنگ اوکراین به شکلی خاتمه پیدا کند که بخشی از خواسته‌ها و شروط روسیه محقق شود. اینکه این اتفاق خواهد افتاد یا خیر، موضوعی است که باید منتظر نتیجه دیدار پوتین و ترامپ باشیم. واقعا امکان دارد ترامپ با یک بده‌بستان، بستر را برای پایان‌دادن به جنگ اوکراین فراهم کند.

موضوع دیگری که ایران را به مسئله دیدار پوتین و ترامپ وصل می‌کند، ضرب‌الاجل ۵۰ روزه برای تعرفه‌های صددرصدی علیه خود روسیه و کشورهای هم‌پیمان، از چین و ایران گرفته تا ترکیه، هند، امارات و... بود که این ضرب‌الاجل به ۱۰ روز کاهش پیدا کرد. هرچند تحلیلگران حوزه بین‌الملل قائل به عقب‌نشینی در ادبیات کشورهایی مانند روسیه و آمریکا نیستند، اما چه شد که پوتین در هنگامه پایان این ضرب‌الاجل حاضر به دیدار با ترامپ شد؟

اینجا مسئله مهم، زمان اجرائی‌شدن ضرب‌الاجل نیست؛ چون امکان دارد تا زمان دیدار دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین، این ضرب‌الاجل مرتب تغییر پیدا کند، همان‌گونه که از ۵۰ روز به ۱۰ روز کاهش پیدا کرد، می‌تواند دوباره افزایش پیدا کند. منتها نباید این نکته کلیدی را فراموش کرد که وضعیت خود روسیه و پوتین نیز چندان مثبت نیست. به‌هرحال، تحولات چندساله گذشته در سایه جنگ اوکراین، شرایط خوبی را برای پوتین رقم نزده است. اکنون تحریم‌های جدی روی خود روسیه و فشارهایی که به هم‌پیمانان مسکو در قبال جنگ اوکراین وارد شده، جایگاه پوتین و کرملین را شکننده کرده است. در نتیجه، به یک تعبیر، من معتقدم شاید واقعا ولادیمیر پوتین در هنگامه پایان ضرب‌الاجل دونالد ترامپ، یک گام به عقب رفته است تا مذاکرات با واشنگتن کلید بخورد.

ولی پوتین به دنبال چیست؛ فرصت‌طلبی، بازی با ترامپ، مذاکرات فرسایشی، خرید زمان یا...؟

باید ببینیم در محتوا و دستور کارها و خروجی دیدار دو رئیس‌جمهور چه اتفاقی می‌افتد. واقعا اگر شرایطی به وجود آید که پوتین احساس شکست نکند و به بخشی از خواسته‌های حداقلی خود برسد، آن زمان می‌توان ادبیات دیگری به کار برد؛ چون در این صورت دیگر پوتین عقب‌نشینی نکرده است، بلکه سعی کرده با فرصت‌طلبی از مذاکره با ترامپ در راستای تحقق منافع خود استفاده کند.

دوباره به مسئله ایران بازگردیم و آن را به مذاکرات و دیدار پوتین و ترامپ ارتباط بدهیم، از این جنبه که باز هم یک گزاره تکراری و پربسامد در فضای تحلیلی وجود دارد دال بر اینکه همواره پوتین و کرملین از کارت تهران در مواقع بحرانی سوءاستفاده کرده است. آیا اکنون که ایران طیفی از مناقشات و اختلافات را با آمریکا، اروپا، آژانس، اسرائیل و... دارد که پس از جنگ ۱۲ روزه عمیق‌تر هم شده است، امکان دارد با کارت ایران بازی کند و آن را به ترامپ بفروشد؟

بله، این امکان وجود دارد؛ کمااینکه در ادوار پیشین هم چنین اتفاقی افتاده است. بااین‌حال، به نظر من، پوتین به نحوی از کارت ایران استفاده خواهد کرد که حساسیتی برای ایران به وجود نیاید؛ یعنی به شکلی مستقیم این تعبیر به وجود نیاید که روس‌ها دارند از کارت ایران استفاده می‌کنند. چون اگر به شکل روشن و آشکاری چنین تصمیمی را در دستور کار قرار بدهد، بر وجهه پوتین نزد افکار عمومی ایران اثر خواهد داشت و به تبع آن، شاهد تأثیرگذاری مخرب روی مناسبات تهران-مسکو خواهیم بود. پوتین همواره سعی کرده است از ایران به عنوان یکی از کارت‌های بازی خود در برابر غرب استفاده کند. به‌هرحال، در این سال‌ها پوتین برای خود ظرفیت‌ها، کارت‌ها و اهرم‌هایی را ایجاد کرده است. کمااینکه در طول جنگ اوکراین توانست فضا را به شکلی مدیریت کند که پای ایران هم به این جنگ باز شود و از طرف اروپا و آمریکا اتهاماتی متوجه ایران شود. ضمن اینکه ظرفیت روابط با ایران را به نحوی پیش برده که می‌تواند در سایر مباحث و اختلافات، مانند مذاکرات هسته‌ای یا پرونده هسته‌ای، دست به میانجیگری بزند. پس نمی‌توان به سادگی از کنار این موضوعات گذشت و قطعا می‌تواند جزء برگ‌های برنده پوتین در مقابل غرب باشد و به‌ویژه در دیدارش با ترامپ مورد استفاده قرار گیرد.

تا چه حد پوتین می‌تواند از این برگ برنده ایران در برابر ترامپ استفاده کند؟

هنوز مشخص نیست، چون همان‌گونه که گفتم، فعلا باید ببینیم این دیدار چه نتیجه‌ای در بر دارد. اگر مذاکرات جدی باشد، تا جایی که بستر برای پایان جنگ اوکراین فراهم شود، طبیعتا به همان اندازه امکان استفاده از برگ‌های برنده برای دو طرف شکل خواهد گرفت.

و ایران چه باید بکند؟

من معتقدم مسئله ایران با دیپلماسی مستقل قابل پیگیری است. ما باید مذاکرات خودمان را داشته باشیم. همان‌گونه که در یکی از سؤالات مطرح کردید، زمزمه مذاکرات احتمالی با خود آمریکا و همچنین اروپایی‌ها وجود دارد. باید ببینیم این مذاکرات به چه نتیجه و دستاوردی منتج خواهد شد. بنابراین باید ببینیم تا آن زمان، وضعیت ما و پرونده‌هایی مانند مذاکرات هسته‌ای، مکانیسم ماشه و نظایر آن چه سمت‌وسویی پیدا خواهد کرد. به‌هرحال، الان مسئله مذاکرات احتمالی ما با اروپا و آمریکا مطرح است. حتی اگر چنین دیداری در عمل شکل نگیرد ولی موضوع توافق احتمالی مطرح باشد، می‌تواند روی قدرت عمل ایران اثرگذار باشد و در این صورت، قطعا دست پوتین تا حدی برای استفاده از کارت تهران محدودتر خواهد شد؛ چون ایران توانسته است مسیری جداگانه و یک دیپلماسی مستقل را پی بگیرد که شاید پوتین نتواند با فراغ بال از کارت ایران استفاده کند.